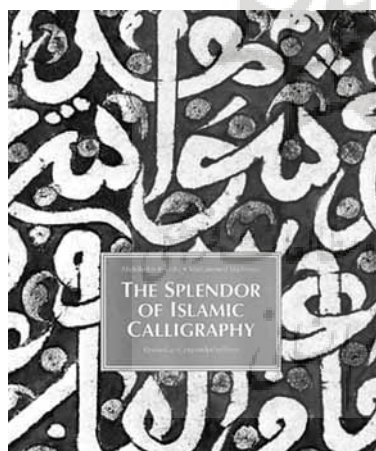


خوشنویسی اسلامی

عظمت و جلال



The Splendor of Islamic Calligraphy
 Abdelkebir khatibi & Mohammed sijelmassi
 Thames & Hudson
 Pages 237 (98 in color)
 ISBN-10: 0500282943
 0500282946-ISBN-13:978

کتاب به توضیح و تبیین اصول هندسی و تزئینی خوشنویسی پرداخته شده و نمونه‌های برجسته‌ای از خطوط کوفی، ثلث، نسخ و مغربی و... را دربر می‌گیرد.

به نظر مؤلفان اسلام الهام‌دهنده‌ی هنر خوشنویسی و خط عربی منشأ و سرچشمه آفرینشگری‌ها است. به باور آنها خوشنویسی هنر مقدسی است که تنها در پی اهداف زیبایی‌شناسانه نیست. نویسندگان هنر خوشنویسی را با جنبه‌های گوناگون فرهنگ اسلامی مورد بررسی قرار داده‌اند، اما در رابطه با هنر خطاطی ایران موضوع به تفصیل بررسی نشده که نیازمند پرداخت بسیار بیشتری است. در ادامه به نکاتی از کتاب

عظمت و جلال خوشنویسی اسلامی اثر عبدالکبیر خطیبی و محمد سجلماسی در چاپ تازه، صدها نمونه از هنر خوشنویسی را ارائه داده است.

نویسندگان با بررسی زمینه‌های تاریخی به معنا و ریشه‌های خوشنویسی اسلامی پرداخته و در این بین نظر خواننده را به زیبایی‌شناسی، سبک، ساختار و تکنیک این هنر زیبا جلب می‌کند. کتاب در فصل‌هایی به نقش و کارکرد خوشنویسی در معماری و نقاشی معاصر به‌خصوص از هنرمندانی چون رشید قریشی و شاکر حسین، هم‌چنین بررسی مفصلی از موضوع مورد نظر از قدیم‌ترین ریشه‌های آن تا امروز می‌پردازد. در

اشاره می‌شود.

بیشتر تاریخ‌نویسان و مورخان از جمله ابن‌خلدون از دو شهر حیره و انبار به عنوان مراکز رشد و گسترش خط عربی نام برده‌اند. بلاذوری منشأ خط عربی را از زبان سریانی دانسته و می‌نویسد: الفبای عربی براساس و استناد شیوهی سریانی تدوین شد، زبانی که ابتدا در شهرهای حیره و انبار رونق یافت و سپس به مکه و دیگر نقاط رفت. پژوهش‌های بعدی بر این دیدگاه صحت گذاشت. اغلب خطوط مختلف به منشاء و منبعی واحد و اصلی مشترک نسبت داده می‌شوند که این امر کار پژوهش را دشوار می‌سازد. وجود کتیبه‌های «حوران»، «النمره»، «المجمال» و «زبد» تا حدودی می‌تواند گوشه‌ای از حقایق را روشن کند.

کتیبه‌خوانان سامی از قرن ۱۹ با بررسی کتیبه‌های به دست آمده برای خط عربی منشأ نبطی در نظر گرفته‌اند و این خط را بیشتر نبطی - عربی برشمرده‌اند. پرسش این است که آیا خط نبطی - عربی همان «مسند» است؟ خطی متشکل از حروفی که اغلب با یک یا دو سرکش عمودی یا مایل، با یک قوس، یک نقطه یا یک قلاب مشخص می‌شدند.

به باور برخی پژوهشگران در حدود قرن دوم میلادی خط نبطی، که نوعی از خط آرامی بود، رواج یافته است. نبطی‌ها لهجه‌ای از زبان عربی داشته‌اند، اما برای نوشتن از زبان آرامی استفاده می‌کردند که در آن دوره زبان تجاری شرق بود. پس از سقوط حکومت نبطی در قرن اول میلادی، به تدریج عبارتهای عربی در متون مختلف وارد شد.

عده‌ای از پژوهشگران نیز بر این عقیده‌اند که منشأ خط عربی سریانی است. دلیل این گروه آن است که برخی از حروف عربی با حروف سریانی مشابهند و اینکه خط عربی بر راستای واحدی همچون خط سریانی قرار می‌گیرد، در حالی که تداوم حروف نبطی به شکل تعلیق به راستای واحدی مربوط است.

در کل می‌توان گفت که آگاهی ما نسبت به کتیبه‌خوانی و خط‌خوانی درباره‌ی شناخت مبدأ کامل نیست و نمی‌توان از محل مشخصی نام برد.

در ارتباط با خوشنویسی و تاریخ، ابن‌خلدون اشاره می‌کند که هنر خوشنویسی زمانی که تمدن اسلامی در اوج تعالی خود بود، شکوفا گردید و با افول آن نیز رونق خود را از دست داد. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که این ارتباط همواره، رابطه‌ای بسیار ظریف بوده است. چرا که هنر خوشنویسی تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده است. هر جا مسلمانان پیروز می‌شدند، چه با جنگ و چه شیوه‌های دیگر فرهنگ بومی خوشنویسی را به روش خود تفسیر می‌کردند. خط عربی در ایران، افغانستان، ترکیه و چین موضوع این تأثیر متقابل شد.

کوفه و بصره از زمان نخستین امپراتوری عرب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند و تاریخ از نخستین خوشنویس معروف، به نام خالد (قرن هفتم میلادی) نام می‌برد. با روی کار آمدن بنی‌امیه نسخ و کوفی رونق یافتند، به ویژه خط کوفی که برای کتابت متن‌های مذهبی به کار می‌رفت. در دوره‌ی عباسیان (۷۵۰ م / ۱۲۵۷ هـ) بغداد مرکز خوشنویسی شد، اما در سده‌ی دوم هجری خط نسخ و گونه‌های مختلف جایگزین خط کوفی شدند. این تحول به لحاظ تاریخی می‌تواند نتیجه‌ی تمرکز

قدرت خلیفه باشد. بنابراین گروهی از کتاب یا نسخه‌برداران شامل منشیان، مدیران، کارگزاران و خوشنویسان به وجود آمدند. در این دیوان سالاری متمرکز که گستره‌ای تا اسپانیا پیدا کرده بود، خط نسخ مناسب‌تر می‌نمود. در واقع طبقه‌ی نسخه‌برداران به همراه جنگاوران در قدرت جایگاه بالایی داشتند.

مورخان عرب به این رشد فرهنگی اشاره و از توسعه‌ی مکتب‌ها و دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها سخن گفته‌اند و اینکه این جریان فرهنگی توسط نسخه‌برداران و خوشنویسان که از طرف حکومت پشتیبانی می‌شدند، هدایت می‌شد. مکاتب ابن مقلد، ابن بواب و یاقوت به لحاظ تاریخی متعلق به این دوره هستند.

نویسنده درباره‌ی تعیین سبک‌های خوشنویسی و الگوهای مختلف، یک گونه‌شناسی کلی مبتنی بر فرهنگ اسلامی شامل شش سبک ارائه می‌دهد: کوفی، نسخ، مغربی اندلسی، رقاغ، دیوانی، و تعلیق. این گونه در پیوند فرهنگی با یکدیگرند و در حوزه‌هایی با گستره‌ی متنوع جغرافیایی رواج پیدا کرده‌اند.

خط فارسی هنر خطاطی را به اوج کمال رساند. پهلوی ساختی کاملاً متفاوت با عربی داشت و ضروری بود که با اضافه کردن برخی صداها و نشانه‌ها الفبای فارسی را کامل کرد. نستعلیق خط شکوهمند و درخشانی است که از این تطبیق ناشی شده و به‌خصوص در اسلوب شکسته قدرت خود را نشان داده است. از خطوط دیگری که نهادی شگفت داشتند یا برای ارتباطات مخفی به کار می‌رفتند می‌توان به غبار اشاره کرد که در پیام‌ها توسط کبوتر نامه بر یا مناشیر که در نوشتن توییح‌نامه‌ها یا رضایت‌نامه‌های دولتی استفاده می‌شد. در این خط به هر حرف دنباله‌ای اضافه می‌شد. حروف تاج به شکل تاج نوشته می‌شد و در هلالی یک یا چند سرکش به شکل هلال ماه درمی‌آید. این امر اشاره‌ای به نمادگرایی طبیعی خطوط اسلامی است.

مؤلفان با بیان اینکه مکتب‌ها و سبک‌های گوناگونی در طی تاریخ هنر خطاطی شکل گرفته‌اند و اینکه تهیه‌ی یک فهرست جامع از تمامی سبک‌ها امری غیرممکن است، به ذکر گزیده‌ای از آنها، که گویا و نمادین هستند، اشاره می‌کنند. به باور آنها عامل اصلی در هنر اسلامی گرایش عام به سمت تقدس مطلق است. هنر اسلامی حال و هوای رمزی دارد و نقوش اسلیمی این حال و هوا را با زبان کنایه ارائه می‌کنند. کتیبه‌نگاری بیانگر کلام خداوند است و هندسه و طبیعت نشانه‌ها و شواهد حضور دائم او هستند.

کتاب به بخشی در رابطه با خوشنویسی و ارتباط آن با معماری می‌پردازد. بر روی بناهای تاریخی قرار می‌گیرد و مساجد، کاخ‌ها، مدارس، مقابر و اماکن مقدس را تزئین می‌کند و کلام مکتوب و متن‌های مذهبی را با ساخت‌های معماری مانند مناره‌ها، گنبدها و دروازه‌ها پیوند می‌دهد. نقوش اسلیمی با خوشنویسی روی بناها تلفیق می‌شوند. خط بر نمای مساجد، مقابر، در گچ‌بری یا حکاکی و کاشی‌کاری خود را نشان می‌دهد. گاه صفحات کاملی از قرآن بر نماهای معماری اسلامی جلوه می‌کند. معماری اسلامی نیز لزوماً به معنای معماری مجلل نیست که در عین سادگی پذیرای هنر خوشنویسی است. از همین سادگی است که به خوشنویسی واسطه‌ای میان انسان و خدا اشاره شده است.